

گزارش اول

مروری بر عجیب ترین حوادث سالی که گذشت

عجب حوادث عجیبی داشت این ۸۴ سال

سینا قنبر پور

عجیب، قرار شد برای آخرین جمعه سال عجیب‌ترین‌ها را مرور کنیم، اما عجیب یعنی چه؟
از ما هستند و برای دیگران اتفاق می‌افتد نمی‌شناسیمشان و با تعجب آنها را دنبال می‌کنیم. کالیست خودمان به نوعی تجربه‌اشان کنیم....

حادثه عجیب سال ۱۳۸۴ کدام بود؟
وقتی سالی با حادثه شروع می‌شود و در حین بارگشت تماشاگران از ورزشگاه آزادی ۷ نفر جان خود را زیر دست و پای تماشاگران دیگر از دست می‌دهند غیب دیگر تکلیف روشن است. این حادثه همانقدر عجیب و باور نکردنی بود که جلوی رومبان همکارانمان در هواپیمای سی-۱۳۰ رفتند تا گزارش مانور تهیه کنند ولی....

اما نه، گویا عجیب‌ها قرار نیست از این دست باشند. پس اگر قرار است جور دیگری باشد بگذارید برایتان ماجرای یکی از دوستانم را تعریف کنم.
یکی بود یکی نبود، یکی از دوستان من بود که دست بر قضای روزگار زد تر آش رشته حقوق درس می‌خواند. دست بر قضا یک روز در خیابان انقلاب به هنگام خرید نان با دختر خانمی آشنا شد. آنها به زودی به یک دل که هزار دل عاشق و دوستدار هم شدند. دختر اما در یکی از احوادهای دانشگاه آزاد استان اهواز درس می‌خواند و پسر که دوست ما باشد در تهران، این دوستی نمی‌توانست دوری را تحمل کند. دیری نپایید که دختر دلتنگی‌هایش را با ریختن آشک نزد دوست ما آورد که باید عقد کنیم که من میگم تاب و پیریم بدهد است!

خلاصه خبر نیمه سوم سال نشده این دو با هم عقد کردند و دوست ما هم برای مهربانه دختر ۲۰۰ سکه نواکابل گردن گرفت بی آنکه بداند چه خواب آشفته‌ای در انتظارش است. هنوز دو ماه از عقدشان نگذشته بود که یک احضار به تقاضای اطلاع طلبی بر او افتاد، بله دختر خانم تقاضای تازه دوست من همفید چه گاهی بر سرش رفته است!

دختر خانم چند سال از تحصیلش می‌گذشت و نمی‌توانست انتقالی به تهران بگذرد. خسته از دوری خانواده همه راه‌ها را رفته بود و در ریافته بود دانشگاه‌ها تنها در یک صورت با انتقالی‌اش موافقت می‌کند، نقشه‌ای را طراحی کرده بود و به هم عصر جاری شدن عقد یکدیگر انتقالی‌اش شده بود و بعد.... حالا دوست من مانده که باید ۲۰۰ سکه بهار آزادی بپردازد و همسر زنگرفته را طلاق بدهد.....

کسی باور می‌کند چنین ذهن‌های خلاق باشد که این چنین اسخادی و کلاهبرداری را به درون بزرگ‌ترین و حساس‌ترین روابط خانوادگی بکشند.
حالا از این جنس خاندان‌ها سراغ نزنید و کنید ببینیم در سالی که گذشت چند تپکار خلاق داشته‌اند؟

می‌دانید یک کاری هست که آدمی می‌ماند چرا آدمیان مرتکبش می‌شوند اگر یکی نیست بگویم مرد، تو که جرأت آن نداری بگویم من زن دوم گرفته‌ام از دارم پس چرا تن می‌دهی زنی دومی زود به پنهانی می‌دهی؟

نمونه‌ای هم مردی است که در عمر ۵۰ ساله خود در چند شهر کشور ۳۰ بار ازدواج کرده بود و تنها وقتی پسرش به دنبال پدرش متوجه شد که کلی قابل برادر و خواهر ناتنی دارد، تازه در پی این ماجرا بود که معلوم شد مرد جوانی است.

وقتی نفس روزهای سال به شماره می‌افتد و همه در تدارک استفاده از تعطیلات نوروزی و سفرهای تفریحی، زیارتی و دید و بازدید خود هستند تازه پرسنل مسئول به تکلیف ویژه مشغول می‌شوند. تا این برنام‌ها فراغتی ما به تلخی نگراید.
بخش اعظمی از این تلاش متوجه راهپای‌ها کشور است و همان بحث مسافرتیها، اما وقتی ما به مسافرت می‌رویم تازه شهرهایمان نفس می‌کشند و در این خلوتی فرصتیهایی به وجود می‌آید. فرصتهایی خطرناک که اتفاقاً پلیس نیز برای همان تیروهایی خود را بسج و آماده‌باش کرده است.
خالی شدن خانه‌ها و به تبع شهرها از ساکنان فرصت مستغنی برای سارقان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای خانه‌های مردم محسوب می‌شود. از طرفی دیگر کسی نیست تا به روند جاری درون خانه‌ها عم از جریان برق، آب، گاز یا... رسیدگی کند و همین در نبود ساکنان می‌تواند خطرناک باشد. اگر حواس به خرج دهد در ادامه بر اساس تجربه‌های عملیاتی پلیس پایتخت می‌توانیم نکاتی را به مردم مهمان تعطیلات نوروز و سفرهایمان در قبایل خانه و اموالمان رعایت کنیم که سبب بارق رفتن ضربات امنیت و حداقل مسکرات احتمالی می‌شود.

مگر اطلاعات رسانی فرماندهی پلیس تهران در اطلاعیه‌هایی جداگانه و با تکرار و توشه‌های تبلیغاتی هشدارهایی بر اساس تجربه‌های عملیاتی خود در نوروزها گذشته به مردم داده‌اند. این توشه‌ها با طریق ماموران پلیس کلانراهها در نقاط مختلف منظم در راه بوده است.
نخستین نکته اینکه اگر هنوز کالیست شماره‌های وسایل برقی و الکترونیکی خود را در جایی به ثبت نرسانده‌اید از تمامی وسایل برقی



گذرانده‌ایم به شدت پر حادثه بود از همان نخستین روزهایش با حادثه رقم خورد. (حادثه ورزشگاه آزادی و مرگ تماشاگر بر اثر آزدحام)

اما جالب است بدینم که بر اساس گزارش روزنامه ایران در فروردین ۱۳۸۴ سال خروس با تولد پسر آغاز شد در حالی که سال ۸۳ با تولد دختر خاتمه یافت.

ساعت ۳ و ۱۶ دقیقه در حالی که لحظه تحویل سال فرا رسیده بود، پرستاران بخش زایمان بیمارستان شهید اکبر آبادی شاهد به دنیا آمدن نوزاد بوسی به وزن ۲ کیلو و ۵۰۰ گرم و قد ۵۲ سانتی متر از مادری ۲۲ ساله بودند.

این پسر که امیرمهدی نام گرفت نخست زنی به نام زینب قاسم جعفری و مردی به نام ناصر قحطی است. این زوج یک سال و سه ماه قبل با هم ازدواج کرده بودند. نوزاد این سال ۸۳ یک پسر بود. فرزند سوم زنی به نام عزیزه رجیلی حسینی و رضا غلامی است که در ساعت ۱۴ و ۱۰ دقیقه ۳۰ استفاده در بیمارستان شهید اکبر آبادی به دنیا آمده است.

اما این وضع در سال ۱۳۸۳ نیز تکرار شده بود یعنی این سال نیز با تولد یک پسر آغاز شد.

پس بر اساس گزارش روزنامه ایران در فروردین ۱۳۸۳ نیز نخستین نوزاد سال ۸۳ پسر و آخرین نوزاد سال ۸۲ دختر بود. آیا این یک قاعده است که زمان و وقایعش از این پیروی می‌کند؟

نخستین نوزاد سال ۸۳ در ساعت ۱۰ و ۱۸ دقیقه صبح اول فروردین و در لحظه تحویل سال به دنیا آمد. این نوزاد پسر از مادری به نام کنیری اهنگیری ۱۹ ساله توسط خانم دکتر هاشمی جم در بیمارستان شهید اکبر آبادی به دنیا آمد. این پسر که نخستین فرزند پسر اسماعیلی و کنیری اهنگیری است به صورت طبیعی متولد شده است. آخرین نوزاد سال ۸۲ یک دختر بود این دختر که فرزند نخست عظیمه مظفری ۲۲ ساله و سحر الله ابراهیمی ۲۴ ساله است هنگام تولد ۳ کیلو و ۷۵۰ گرم وزن داشته است. نوزاد که مهدیه نام دارد به روش سزارین توسط خانم دکتر فولادی در بیمارستان شهید اکبر آبادی به دنیا آمده است. مهدیه نیز نخستین فرزند است که در ساعت ۵ و ۴ دقیقه صبح جمعه دقایقی قبل از تحویل سال به دنیا آمده است.

اما این فرض که زمان وقایعش از قاعده‌ای پیروی نمی‌کند شاید اساس این روند متوقف شود و نخستین حادثه شربین سال ۱۳۸۵ با تولد یک دختر رقم بخورد. اگر هم فرض قاعده بودن زمان و وقایعش را بپذیریم نتیجه کار معلوم است. -حالا به نظر شما آیا کدام فرض آغاز می‌شود؟

اما یک حادثه دیگر هم قابل بررسی است. موضوع تولدهای دو قلو یا سه قلو! اما شما می‌خواهید چنین حادثه‌ای تکریر کنید. برای مثال نخستین تولد قلوهای سال ۸۰ بیمارستان اکبر آبادی به دنیا آمدند. این دو قلوها ساعت هشت و ۲۰ دقیقه صبح فروردین به طریق سزارین از زن ۲۳ ساله‌ای که دو سوسه بارداری به دنیا آمد.

این دو قلوها که دختری به وزن ۳ کیلو و ۴۰۰ گرم و پسری به وزن ۳ کیلو و ۳۰۰ گرم هستند نخستین فرزندان خانواده نیز به شمار می‌روند. گویا اینطور سال با یک بابک یا صفر- صفر شروع می‌شود. منگ میل آخرین بازی پر پولیس و استقلال. نخستین دو قلوهای سال ۸۲ در دومین روز فروردین ماه به دنیا آمدند. نخستین فرزند محمد و آرزو شهزادی در ساعت ۲ و ۲۲ دقیقه و ویسی دقیقه بعد، در ساعت ۲۰ و ۲۰ دقیقه به دنیا آمد و هر دو نوزاد پسر بودند. نخستین دو قلوهای سال ۸۴ در روز اول فروردین ماه به دنیا آمدند هر دو دختر بودند و مادرهای آن ۲۲ و ۲۳ ساله و دومین زایمانش متولد شدند. این دو قلوها در ساعت ۱۲ نیمه شب یا سه بجای گذار شدند. در سال ۱۳۸۰ نخستین سه قلوها صبح ۱۶ فروردین از یک زن ۲۲ ساله در بیمارستان شهید اکبر آبادی متولد شدند. این سه قلوها که دو سوسری دختر هستند ساعت ۱۷ و ویسی دقیقه ۱۶ فروردین از طریق عمل سزارین به دنیا آمدند.

عمل جراحی قلب به اتاق عمل رفته بود نوانست قلب مقلب مادر را تحمل کند و هنوز آن عمل تمام نشده با به دنیا بیرون ریز و راز ما گذاشت!

این ماجرا در بهمن ماه سال ۱۳۸۴ در بیمارستان شهید زینب تهران روی داد. حالا که بحث از زایمان و تولد شد باید نسبت بدانی همه ساله بسیاری از مادران وقتی با هزار امید و آرزو به اتاق زایمان می‌روند لذت تولد بچه خود را نمی‌برند. نه، منظور مرگ فرزندان به هنگام تولد نیست، تولد یک موجود عجیب است. مثلاً ۵ مرداده‌ها ۸۴ در بندرعباس و بیمارستان شریعیان دختر بی دریا آمد که دو چشمش در یک حفره قرار داشت و بیش از نیمی اش بالای چشمش و در ناحیه پیشانی اثر گرفته بود.

ایرنا در تشریح این واقعه گزارش داد این نوزاد حاصل یک ازدواج فامیلی بوده است. سایت اطلاع رسانی پلیس نیز خبری در این حوزه داشته است. این سایت در ۴ خردادماه ۸۴ گزارش داد که در میان‌دوآب نوزادی با چهار انگشت اضافه متولد شد. هر کدام از پاها و دستهای این کودک یک انگشت اضافه داشته‌اند و جایگزین اینکه خواهر برادران این کودک نیز چنین بوده‌اند.

خلاصه اینکه حادثه‌ها هر کدام در نوع خود عجیبند. حالا که زایمان و تولد نوزادان عجیب الحلقه کنیم بد نیست به سراغ تولدهایی رویم که نخستین حادثه واقعه هر سال محسوب می‌شوند. به هر حال بهتر از آن است که بگوییم در سال ۸۴ نخستین جنایت با ۶۶ فرزند چاقو به وقوع پیوست یا....

به نظر شما اسامی تولد چه کسی آغاز می‌شود؟
یک پسر یا یک دختر؟ اصلاً چه فرقی می‌کند؟ اگر

نخستین نوزاد سال پسر باشد یا دختر به هر حال در سال گذشته به دنیا می‌آید! اما از این حرفها بگذریم چه پیش بینی برای سال آینده دارید؟

آنها که منتظر یک کوچولو هستند چه؟ دوست دارند نخستین حادثه سال جدید برای آنها تولد فرزندان باشد یا ترجیح می‌دهند ماجراهایی دیگری را تجربه کنند.

به هر حال ۱۳۸۵ تا چند ساعت دیگر تحویل می‌شود و فرزندانی در اندام این قرعه به نام کدام مادر و پدر میبندند که از باخیر کنید. اگر شما به جمع قربانیان حوادث پیوست.... حواله‌های دستم می‌شود این واقعه را به نوعی پیش بینی کنید؟
مثلاً سال خروس که اینک در حال تمام شدن است تولد یک پسر آغاز شد؟ به نظر شما سال ۱۳۸۴ چطور سالی بود؟ پسر یا دختر؟
سال خروس یا سال ۱۳۸۴ یا همان سال پسر که

حادثه‌ها همه به نوعی عجیب و غریبند. تا زمانی که دور از ما هستند و برای دیگران اتفاق می‌افتد نمی‌شناسیمشان و با تعجب آنها را دنبال می‌کنیم. کالیست خودمان به نوعی تجربه‌شان کنیم....

شعبه ۲۶۱ دادگاه خانواده شماره دویسه آن رسیدگی می‌کند مربوط به مردی است که ۳۰ بار ازدواج کرده است. از این ماجرا تا دلتان بخواد می‌شود پیدا کرد. مثلاً ماجرای مردی که با دوزش به سرعت می‌رفت نشأ می‌دهد که هستند مردانی که برای عملی شدن نیت شوم خود از پنهانکاری دست برمی دارند غافل از آنکه وقتی هوواها به جان هم میبندند تازه سرخ شناسایی دست پلیس می‌افتد!

ایه دیگری هوواها می‌تواند سوزده اخبار جالیستری باشد. این که یکی از هوواها به سراغ خانه دیگری بود و... اما به هر حال نمی‌توان همه اش از هوواها گفت. خدا را خوش نیامد که این همه حوادث عجیب اتفاق افتاده ما دیواری کوتاه تر از هوواها پیدا نکنیم.

یکی از عجیب‌ترین وقایع و در عین حال تلخ‌ترین حوادث سال پشمر مرگ موتورسواری از روی ۲۲ انبوس بود.

این حادثه تا مدت‌ها سوزده بجهای فتنی و ایمنی بود و این که چگونه یک نفر موتورسواری می‌تواند بدون محاسبه و جمع و تفریقهای لازم دست به یک ریسک پر خطر بزند و نتیجه‌اش آن بشود که ماجرای ۴ شهروار ۸۴ احواد فالیروایان را در آن قربانی شد. هنوز تصاویر منتشر نشده‌ای که از دوربین شبکه خبر شکار شده بود و پیشش شد می‌تواند جلوی چشم ما محسوس شود.

فالیروایان قربانی شد. قربانی درست محاسبه نکردن قربانی ریسک کردن در جایی که هیچ کس حاضر به تأمین ایمنی چنین کاری نبود. فالیروایان برید اما نمی‌دانستند آمواسی که با علامت (آی.سی.یو) در محل بود یعنی سادترین ابزار امداد رسانی هم مجهز نبود چه رسد به تجهیزات آی.سی.یو.

فالیروایان برید در حالی که سکوی پریدنش استاندارد و مناسب پرش نبود و اصلاً کمان تنظیم و تغییر زاویه پرش نداشت. او به جمع قربانیان حوادث پیوست.... حواله‌های که از سهل انگاری های ما در امور مختلف پشتیبانی رقم می‌خورد.

شاید باور نکنید اگر بشنودن در سالی که گذشت خبری چاپ شد که نشان می‌داد دانش آموزی ۱۵ ساله از هیجان



مطمئن باشید صرف هزینه‌ای اندک بهتر از تحمل خسارات سهمگین سرفت چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی است. کلانتری محل را از خالی بودن خود باخیر کنید. اگر شما به مسافرت نمی‌روید و در خانه می‌مانید بسیار دقت کنید که به اسم اسباب‌خانه همسایه شما را مورد سرفت قرار ندهند.
لیست برداری کنید. شماره سربانهایی آنها را ثبت کنید و آن را به هم‌راه خود داشته باشید.
در صورت امکان اشیای گرانبه‌ای و جواهرات خود را به هنگام سفر به فرد مطمئن سگمانده و یا اگر امکان دارید از صندوق امانات بانک استفاده کنید.
اگر فرد مطمئنی سراغ دارید از او بخواهید کنید به تناوب به خانه سرکشی کرده و هر شب یک چراغ از خانه را روشن نگاه دارد. در صورت امکان خانه را به دزدگیرهای امنیتر و با منطقه‌ای مجهز کنید.
اگر در محله شما شرکتهای ساماندهی نگهبان محله فعالیت دارد یا اندکی هزینه پرداخت کردن بخواهید که از خانه شما پاسداری دهند و

در شهرهایی که سفر می‌کنید از آنجایی که با محیط و نوع تراکم جمعیتی آشنا نیستید از متوقف کردن خودرو خود به غیر از اماکن عمومی (پارکینگها) جدا خودداری کنید

امتیاز سفر همواره قبل توافق می‌آید چرا که می‌تواند لذت سفر را به تلخی یا خنده تبدیل کند. پس از رعایت نکات ایمنی اعم از اطمینان از سلامت خودرو، لزوم است در طول سفر و به ویژه در شهرهای طول مسیر و ویژه مقصد نکاتی را رعایت کنیم.
مگر از اطلاع رسانی فرماندهی پلیس تهران در توصیه‌های خود تأکید کرد

است در شهرهایی که سفر می‌کنید از آنجایی که با محیط و نوع تراکم جمعیتی آشنا نیستید از متوقف کردن خودرو خود به غیر از اماکن عمومی (پارکینگها) جدا خودداری کنید.
در تمام نقاطی که خودرو خود را پارک می‌کنید حتماً برای صرف یک نهار یا خوراکی از خودرو دور می‌شوید حتماً درهای خودرو را بسته و بالا بایند شیشه‌ها مطمئن شوید.
قبل سفر و قبل فراموش کردن بجز ابزار خسته کننده‌ای محسوب می‌شوند اما اطمینان بخشهای خوبی به شمار می‌آیند. دستکش‌های چرمی. بقیه توصیه‌ها هم حتماً خودتان می‌دانید....

بخت ایمنی را ما زیاد دوست نداریم. مطمئن شدن از سلامت وسایل نقش ویژه‌ای در تعطیلات ما بازی می‌کند. کالیست سهل انگاری کنیم. ترمز خودرو، لاستیک‌ها، قفل‌های خود، چراغها، خود موتور و... هر کدام می‌توانند کمر به خراب کردن تعطیلات و سفرهای ما ببینند و اگر قبل از سفر از آنها مطمئن نشویم قطعاً کمتر لذت‌مانم گرفته می‌شود.
می‌باید. اما هم مطمئن حاکمیت را دارد و بهتر است کسب شیر اصلی آن را بسته شود. اگر یکی از اتفاقی خانه در موقعیت چترتی قرار دارد و این امر است وسایل خانه را در آن جمع کرده و در آن را خوب قفل کنید. فکر کنیم اینطور تعطیلات راحت‌تر و بی‌خطرتر می‌گذرد.

البته می‌دانیم که استفاده از این تجهیزات غیر بانک یک مصیبت انکار ناپذیر است و مثل تفلن همراه معضلاً از مرکز شتاب‌بخشی دریافت نمی‌شود اما حتی العمود، از حمل پول نقد خودداری کرده و از این پیشه جدید استفاده کنید. اگر پول نقد یا تراول چک، به هم‌راه می‌برید همه آنها را در یک جیب یا کیف یک نگذارید. خودتان که می‌دانید برای چه می‌گوییم؟